

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/11/14



موضوع: احکام اموات/نماز میت /وجوب نماز بر اهل قبله و مسلمان

بحث و تحقیق در باره‌ی نماز میت بر مسلمان بود اعم از این که عادل باشد یا فاسق، شهید باشد یا مرتکب کبائر یا خود کشی کرده باشد.

در موثقه سکونی و موثقه طلحه، نماز بر میت مسلمان به طور مطلق آمده که از اطلاق آن استفاده می‌شود که بر مخالف هم نماز جا دارد؛ به طور مثال در موثقه سکونی چنین آمده:

وعنه ، عن أحمد بن الحسن بن علي بن فضال ، عن أبي همام إسماعيل بن همام ، عن محمد بن سعيد ، عن غزوان السكوني ، عن جعفر ، عن أبيه ، عن آبائه ( عليهم السلام ) قال : قال رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) : صلّوا على المرجوم من أمتي ، وعلى القتال نفسه من أمتي ، لا تدعوا أحداً من أمتي بلا صلاة. [1]

در کتاب جامع الروات، ج2، ص117 می‌گویید: نسخه صحیح این است که محمد بن سعید بن غزوان عن السکونی برای این که محمد بن سعید بن غزوان روایات زیادی از سکونی نقل کرده؛ اما این که سکونی مسمایی داشته باشد به نام غزوان در کتب رجال دیده نشده؛ لذا محقق حلی سعید بن غزوان گفته و شهید هم سعید بن غزوان گفته است.

شیخ مفید و ابن ادریس فرموده اند که نماز بر جنازه مخالف جایز نیست؛ زیرا مسلمان بودنش کامل نیست و مسلمان کامل، کسی است که شهادت ثالثه را داشته باشد.

در جمع بین این دو قول می‌توان گفت که مخالفان را منکر ولایت نمی‌توان گفت و کسانی که منکرند، نواصب اند. پس منظور از کسانی که نماز بر آن‌ها جایز نیست، نواصب و منکران ولایت امیر المؤمنین ع از بنی امیه اند و عموم اهل سنت این گونه نیستند.

مستند نماز بر مرتکب کبائر، صحیح هاشم بن سالم می‌باشد:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْسِنَادُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ شَارِبُ الْخَمْرِ وَالزَّانِي وَالسَّارِقُ - يُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ إِذَا مَاتُوا فَقَالَ نَعَمْ. [2]

و همین طور است موثق سکونی که در بالا ذکر شد.

خلاصه بحث تا اینجا این شد که در باره مرتکب کبائر و کسی که خودش را بکشد، نماز میت لازم است و در روایت 1 و 3 باب 37 صلاة جنازه آمده که برای شارب الخمر هم نماز بخوانید و در موثق سکونی آمده که بر جنازه کسی که خودش را کشته نماز بخوانید (صلوا علی المرجوم ...)

یک مطلبی از سیدنا الاستاد پیرامون تحنيط ميت جا مانده که در این جا به صورت بین پرانتز ارائه می‌شود و آن این است که سیدنا الاستاد در مورد تحنيط شهيد فرموده: از یک طرف ادله حنوط اطلاق دارد و از طرف دیگر، شهيد غسل ندارد، پس شهيد تحنيط ندارد؛ چون تحنيط از لازمه تغسيل و تکفين است و شهيد غسل و کفن لازم ندارد؛ لذا در موثق ابی مریم انصاری آمده: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْسِنَادُهُ عَنْ أَبِي مَرْيَمٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، أَنَّهُ قَالَ: الشَّهِيدُ إِذَا كَانَ بِهَ رَمَقٌ غُسِّلَ، وَكُفِّنَ، وَحُطِّطَ، وَصُلِّيَ عَلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِهَ رَمَقٌ كُفِّنَ فِي أَثْوَابِهِ. [3]

در متن عروه آمده که بر جنازه مرتکب کبائر هم باید نماز خواند؛ امّا در وسائل باب 11 از ابواب اشربه محرمه، حدیث 3 و 6 آمده که شارب الخمر نماز ندارد:

وعنه، عن أبيه، عن خلف بن حمّاد، عن محرز، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا أُصَلِّي على غريق خمر. [4]

و یأسناده عن عمار، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الرجل يكون مسلماً عارفاً، إلا أنه يشرب المسكر: هذا النبيذ، فقال: يا عمار! إن مات فلا تصلّ عليه. [5]

پس فتوای متن را با توجه به این دو روایت چگونه توجیه کنیم؟

سیدنا الاستاد این دو روایت را توجیه کرده که روایت اولی (لا. اصلی علی غریق خمر) مراد شارب الخمر عادی نیست؛ بلکه کسی است که افراط در شرب خمر دارد و غرق در آن می‌باشد و خود پیامبر (ص) فرموده من بر او نماز نمی‌خوانم و آن فرد لیاقت نماز خواندن مرا

ندارد و واجب كفایى ممكن است در مورد ديگران ثابت باشد.

روايت دوم از حيث سند موثق است؛ ولى دلالتش قاصر است كه به عمار گفته نماز نخوان، شايد خصوصيتى بوده و دلالت ندارد كه ديگران بر او نماز نخواند.

اين توجيه دقتى دارد كه فراتر از حد متعارف است و متعارف از غريق خمر، همان شارب خمر است و پيامبر (ص) در مقام بيان حكم مي‌باشد و مشرع است و در جواب سؤال و مقام بيان، اين سخن را گفته و عمار هم از نماز چنين فردى سؤال کرده و حضرت نهى کرده است. پس شارب الخمر نماز ندارد ولى سيد يك راه حل ديگرى ارائه داده و آن اين است كه علاوه بر اين، اگر تسليم صحت سند و دلالت شويم، اين دو روايت تعارض مي‌كند با روايت شماره 1 باب 37 كه سؤال شده بود از نماز شارب خمر و حضرت (ص) جواب مثبت داده بود و بعد از تعارض تساقط مي‌كنند. علاوه بر اين كه ترجيحي وجود دارد؛ چون روايت شماره 1 باب 37 صحيحه است و بر موثق مقدم مي‌شود.

[1] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 133، أبواب صلاة الجنازة، باب 37، ح 3، ط آل البيت.

[2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 133، أبواب صلاة الجنازة، باب 37، ح 1، ط آل البيت.

[3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 2، ص 506، أبواب غسل الميت، باب 14، ح 1، ط آل البيت.

[4] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 25، ص 310، أبواب الأشربة المحرمة، باب 11، ح 3، ط آل البيت.

[5] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 25، ص 312، أبواب الأشربة المحرمة، باب 11، ح 6، ط آل البيت.